عکس: رها احمدی

ارکستر ملی ایران تازه‌ترین اجرای خود را روی صحنه می‌برد

موسیقی با هر تفکری خوب است

گزارش

نداسیجانی
گروه فرهنگی

تازه‌ترین اجرای ارکستر ملی ایران با عنوان «گلگون»، شامگاه جمعه ۱۷ مردادماه ۱۴۰۴، در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. این کنسرت با رهبری «همایون رحیمیان» و با اجرای آثاری از آهنگسازان برجسته ایرانی از جمله «حسن ریاحی» و «همایون رحیمیان» برگزار می‌شود. نکته قابل توجه در این برنامه، حضور دو خواننده «حسین علیشاپور» و «امیرحسین سمیعی» است که ارکستر را همراهی خواهند کرد و قطعات موسیقی ملی ایران را برای مخاطبان به اجرا می‌گذارند. نکته قابل توجه اینکه، ارکستر ملی ایران طی سال‌ها فعالیت کاری خود تلاش دارد با محوریت موسیقی ملی و با بهره‌گیری از رپرتوارهای اصیل ایرانی، فرصتی دوباره برای شنیدن آثار فاخر موسیقی ایرانی را در قالب ارکسترال فراهم آورد. موضوعی که مورد توجه همایون رحیمیان، رهبر ارکستر ملی ایران قرار گرفته ایشان بزرگداشت بزرگان موسیقی ایران و شنیده شدن آوای ملی برای مردم سرزمین‌اش را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است.

موسیقی باید در زمان و مکان جاری باشد و شنیده شود

«همایون رحیمیان»، رهبر ارکستر ملی ایران، درگفت‌وگو با «ایران» درخصوص اجرای پیش روی ارکستر ملی اظهار کرد: «در این برنامه قطعات متفاوتی اجرا خواهد شد و در کنار آن سعی ما بر این بود از دو خواننده بهره ببریم که با همکاری آقای سمیعی و آقای علیشاپور این قطعات اجرا خواهند شد. امیدواریم شبی خوش و خاطره‌انگیز برای مخاطبان موسیقی ملی ایران باشد. نکته دیگر در خصوص قطعات برنامه که باید به آن اشاره کنم این است که از رپرتوارهای سنگین از نوازندگان ارکسترسمفونیک هم استفاده کرده‌ایم و نوازندگان سازهای بادی برنجی با ارکستر ملی هم همراهی می‌کنند و در کنار آن گروه کر هم حضور خواهد داشت.»

او در ادامه صحبت‌هایش درباره انتخاب عنوان این کنسرت که «گلگون» نام دارد، گفت: «در این زمینه آقای ستایشگر (معاون آفرینش‌های فرهنگی هنری بنیاد رودکی) کمک بسیاری کردند و در نامگذاری شب‌هایی که ارکستر اجرا می‌رود سلیقه بسیار خوبی دارند. درباره انتخاب قطعات هم باید بگویم با توجه به اجرای ارکستر در ماه صفر، تلاشمان این بود که قطعات متناسب با این ایام انتخاب شوند. بنابراین تعدادی از کارها به آهنگسازی خودم بوده مانند «هفت پشت عطش» باشعری از محمدعلی بهمنی و همچنین «در اوج عطش» با شعری از سهیل محمودی که وصف حال مراسم عزاداری است. همچنین قطعه «کاروان» به آهنگسازی آقای حسن ریاحی که شعر آن از سعدی است. در کنار آن قطعه «فصل باران» اثری از فراز کاویانی و حسین علیشاپور با شعری از مولانا و البته قطعه «چشم به راه» کاری از امین‌الله رشیدی که برای ارکستر تنظیم شده است.»

این آهنگساز درباره اجرای موسیقی در ایامی که کنسرت‌های موسیقی تعطیل است و اغلب موسیقی‌های مناسبتی اجرا می‌شود، اظهار کرد: «همه نوع اجرای موسیقی خوب است و برای آنکه در مناسبت‌های مختلف اجرا شود، می‌تواند در قالب‌های خاص قرار گیرد. موسیقی باید در هر زمان و مکانی جاری باشد و شنیده شود و به فعالیت خود ادامه دهد. البته برای خوب شنیده شدن آن، به حمایت مخاطب هم نیاز داریم. جامعه بویژه نسل جوان باید به موسیقی‌های ایرانی توجه بیشتری داشته باشند و جوانان از نزدیک به تماشای ارکسترها بنشینند و سختی کار نوازنده‌ها را ببینند و آنها را تشویق کنند. این نوازنده‌های جوان، آینده‌سازان موسیقی سرزمین ما هستند و اگر نگاه جدی به این گونه موسیقایی نباشد، جامعه به سوی موسیقی‌هایی می‌رود که نه شعر خوب دارد و نه ملودی خوب. بنابراین چه بهتر که نسل امروز در این اجراها شرکت کنند و موسیقی‌های فاخر گوش کنند و بدین طریق ذائقه گوش موسیقایی خود را تغییر دهند.»

تا زمانی که در ارکستر ملی هستم درِ ارکستر به روی همه باز است

این رهبر ارکستر درباره فراخوان جذب نوازنده برای ارکستر سازهای ایرانی که چند روز گذشته از سوی بنیاد رودکی منتشر شد، گفت: «این ارکستر برای همه نوازندگان خوب کشورمان است و برای عده‌ای خاص نیست و تا زمانی که من در ارکستر ملی هستم درِ ارکستر روی همه باز است. البته با توجه به شرایطی که در فراخوان آمده است در جذب نوازنده اگر کارهایی که ارائه می‌شود قابل اجرا در ارکستر باشد حتماً بهره خواهیم برد، چرا که بر این هدفیم تا رکستری داشته باشیم که آینده نوازندگان ارکستر باشد.»

بهره بردن از خوانندگان مختلف در ارکستر ملی

«امیرحسین سمیعی» از خوانندگان نام‌آشنای موسیقی ایران است و اجراهای بسیاری با ارکستر ملی ایران داشته و حتی در ایام خاص سال با دیگر گروه‌های موسیقی به روی صحنه رفته است. او در گفت‌وگو با «ایران» درباره این اجرا بیان داشت: «اجرای موسیقی‌های ارکسترال و به نوعی مفهوم گرا و با ماهیت متعالی، در سال‌های قبل هم مرسوم بوده و اجرا شده است؛ مانند اپرای «سوگ شفق» یا اجرای اثر برجسته «نی نوا» و امثال آن.»

او در ادامه صحبت‌هایش درباره فاصله‌گیری برخی از خوانندگان با ارکستر اظهار کرد: «بنده به دعوت دوستان بنیاد رودکی در این اجرا همکاری دارم، اما آنچه که طی این سال‌ها شاهد بودیم این است که بنیاد رودکی در این سال‌ها تلاش کرده در بزنگاه‌ها و موقعیت‌های مختلف از خوانندگان متفاوتی استفاده کند و این موضوع بسیار شایسته و هدفمند است و بیانگر یک برنامه‌ریزی درست است همانطور که پیش از این هم شاهد بوده‌ایم و در اجراهای مختلف از خوانندگان مختلف استفاده شده است و چنین خط مشی بسیار منطقی، درست و بجاست.

ارکستر ملی، نماد موسیقی کشورمان است

حسین علیشاپور از خوانندگان نام‌آشنای موسیقی کشورمان، قرار است در اجرای پیش رو با ارکستر ملی ایران همراهی داشته باشد. او در گفت‌وگو با «ایران» درباره فاصله برخی از خوانندگان در همکاری با ارکستر، گفت: «این ارکستر با همت بزرگانی چون فرهاد فخرالدینی، فریدون شهبازیان و همایون رحیمیان و دیگر عزیزانی که در این ارکستر بودند و فعالیت کردند به مسیر خود ادامه می‌دهد. افرادی که هیچ‌گاه نگاه مالی به ارکستر نداشتند و وقت و زندگی خود را گذاشتند تا این موسیقی در فضایی مانند ارکستر ملی که نمادی از موسیقی ایران است، بماند و رشد کند.

بنابراین هنرمندان میهمانی که با ارکستر همکاری دارند نباید صرفاً به عنوان چشمداشت مالی با ارکستر همکاری کنند و باید در برخی برهه‌های مهم تاریخی و ملی، پای انتخاب خود بایستند. ناگفته نماند برخی از خواننده‌های ما علاقه‌مند به همکاری با ارکستر ملی هستند اما باید توانایی خوانندگی آنها در ارکستر هم بررسی شود، چرا که خواندن در یک ارکستر بزرگ بسیار متفاوت‌تر از یک ارکستر کوچک است. در این ارکستر خطا وجود ندارد و همه اعضای آن باید از مهارت‌های بالایی برخوردار باشند.»

او در ادامه صحبت‌هایش بیان کرد: «بسیار خوشحالم که این کنسرت در این ایام برگزار می‌شود، به این دلیل که طی این سال‌ها اجرای موسیقی در ایام محرم و صفر محدودیت‌های خاصی داشت، مگر اینکه موضوعیت آن مرتبط با آن ایام باشد و این مسأله بسیار مهمی است. این موضوع بیانگر این است که موسیقی با هیچ چیز بد نیست و هیچ فرد و موضوعی هم نباید با موسیقی بد باشد. به باور من، رسالت مهم یک موسیقیدان، نگه داشتن موسیقی در برهه‌های مختلف تاریخی سرزمین‌اش است، حتی اگر موسیقی ممنوع باشد. ما باید از موسیقی اصیل کشورمان صیانت کنیم و میراث‌دار این فرهنگ کهن باشیم. البته در همین کنسرت پیش‌رو کارهای آیینی هم اجرا می‌شود، اما در کنار آن قطعات عارفانه، عاشقانه و نوستالژیک هم شنیده می‌شود.»

جای خالی تبلیغات شهری برای ارکستر ملی

این خواننده درباره جذب مخاطبان بیشتر جامعه برای اجرای ارکسترها گفت: «به عنوان یک مخاطب بر این نظرم که دیده شدن ارکستر نیازمند تبلیغات گسترده است و در این زمینه ضرورت دارد وزارت فرهنگ یا بنیاد رودکی تفاهمنامه‌هایی با شهرداری منعقد کنند و براساس آن تفاهمنامه‌ها بیلبوردهایی در سطح شهر درخصوص اجرای ارکسترها نصب شود یا حتی در فضای عمومی مانند متروها. به عقیده من ارکستر ملی ایران باید کمیته تبلیغات دائمی داشته باشد.

جای تأسف است که بگوییم بسیاری از مردم ما حتی نمی‌دانند ارکسترهایی مانند سمفونیک و ملی در ایران فعالیت می‌کنند! بنابراین وظیفه مسئولان است که موسیقی را به فضای شهری وارد کنند. برخی دوستان می‌گویند چرا موسیقی ایرانی شنونده ندارد؟ سؤال من از دوستان این است که از ابتدا تا پایان بزرگراه‌های شهر بیلبوردهای مختلفی وجود دارد ولی چرا جای اجراهای ارکستر ملی در فضای شهری خالی است؟! نکته دیگر درباره رپرتوارهای ارکستر است که پیشنهاد من این است از آهنگسازان شناخته‌شده مانند جهانبخش پازوکی، محمد حیدری و صادق نوجوکی کارهایی اجرا شود.

در پایان باید بگویم، نباید به ارکستر ملی به عنوان ابزاری خاص نگاه شود بلکه باید به عنوان یک دارایی ملی به آن نگاه کنیم تا خواننده‌ها و نوازنده‌های بسیاری در کنار ارکستر باشند و همکاری کنند.»

> همه نوع اجرای موسیقی خوب است و برای آنکه در مناسبت‌های مختلف اجرا شود، می‌تواند در قالب‌های خاص قرار گیرد. موسیقی باید در هر زمان و مکانی جاری باشد و شنیده شود و به فعالیت خود ادامه دهد. البته برای خوب شنیده شدن آن، به حمایت مخاطب هم نیاز داریم. جامعه بویژه نسل جوان باید به موسیقی‌های ایرانی توجه بیشتری داشته باشند و جوانان از نزدیک به تماشای ارکسترها بنشینند و سختی کار نوازنده‌ها را ببینند و آنها را تشویق کنند. این نوازنده‌های جوان، آینده‌سازان موسیقی سرزمین ما هستند

بزرگداشتی برای داریوش رفیعی و بابک بیات

برش

همایون رحیمیان، در باره برنامه‌های آتی ارکستر ملی گفت: «هدف من در برنامه‌های ارکستر، ادای احترام به بزرگان موسیقی است چنانکه قبل‌تر برای آقای محمد سریر و آقای همایون خرم برنامه‌ای دراین خصوص برگزار شد و این کار را ادامه خواهیم داد و در ادامه بزرگداشتی برای دیگر بزرگان موسیقی همچون پرویز یاحقی، داریوش رفیعی و بابک بیات خواهیم داشت.»

فرود در تقاطع زمین و زمان و بدن

تئاتر «بر زمین می‌زندش» اثر علی شمس این شب‌ها در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه می‌رود

گزارش

حسین چیانی
منتقد تئاتر

عکس: رضا معطریان

نمایش «بر زمین می‌زندش» نوشته و کارگردانی علی شمس، اثری شاخص در سپهر تئاتر پست‌مدرن ایرانی است. این اجرا اجرایی است که از مرزهای رایج روایت، فرم و نشانه فراتر می‌رود و با بهره‌گیری از بدن‌مندی کامل، فرم اجرامحور و زبان چندلایه، تجربه‌ای زیست‌مند از انسان، زمان، زمین و طغیان را پیش می‌نهد. این نقد با تمرکز بر نشانه‌شناسی بدن، تحلیل اسطوره‌ای و خوانش‌های فرگشتی، روایی و زیبایی‌شناختی، سویه‌های گوناگون متن و اجرا را واکاوی می‌کند.

در آثار پست‌مدرن متأخر، بازخوانی تاریخ دیگر صرفاً تکرار روایت‌های مسلط نیست، بلکه شکلی از بازیگری و افشاگری با ساختارهای تاریخ، زبان، بدن و باور را در خود دارد. در این بستر، علی شمس در نمایش بر زمین می‌زندش نه در پی بازنمایی یا دراماتیزه کردن گذشته، بلکه در پی آفرینش جهانی اجرامحور است که در آن، نشانه و بدن وشیء به جای داستان، کنشگر اصلی‌اند.

نمایش انگار که تماشاگر را نه برای تماشا، بلکه برای بلعیده شدن می‌طلبد. بر زمین می‌زندش، بر زمین می‌زندت و سپس رهایت نمی‌کند، زیرا زمینِ این اجرا، دیگر آن زمینی نیست که از قبل می‌شناختی‌اش. این اثر تجربه‌ای‌ست آغشته به زمین، به زمان و به انسان.

نمایش با تصویر تکان‌دهنده‌ای آغاز می‌شود: گاوی سلاخی‌شده با پاهایی به سوی آسمان. این تصویر، گسستی بنیادین با نظم طبیعی و درعین حال رجعتی به اسطوره‌های زهدان‌محور و مادرسالار است. دست کردن شخصیت اصلی در شکم گاو جهت رفع نیازها، تلاش برای بازتعریف منشأ حیات در قالبی جدید است. البته حیات زیستی و بقامحور و نه آن جنبه قدسی و آرمانی. لوپ آغازین نمایش، از دل طبیعت سر برمی‌آورد و در دل طبیعت نیز دفن می‌شود.

یکی از درخشان‌ترین لایه‌های زیرین نمایش، تحلیل داروینیستی آن است. تکرار مداوم تم‌هایی چون گرسنگی، خوردن، تولید غذا، تمنای بارداری از طریق لاشه گاو و مواجهه با زهدان، مؤلفه‌هایی بنیادین برای فهم نسبت میل و معنا در این اثرند (علاوه بر بار نمادین این عناصر). اینجا خواست بقا، مقدم بر معنای زیستن قرار می‌گیرد. اینجا، آرمان‌گرایی و معناباوری به چالش کشیده می‌شوند و جای خود را به ژستی جسورانه از بدن، میل و سیری‌ناپذیری می‌دهند.

صحنه چرخان نمایش، فراتر از ترفندی بصری یا تکنیکی است و چیزی بیش از تصور سهل‌انگارانه ارعاب مخاطب. این چرخش، استعاره‌ای چندوجهی‌ست که چرخش دایره‌وار زمان، چرخ روزگار، بی‌ثباتی موقعیت انسان در تاریخ و چرخش زمین به دور خود را نشان می‌دهد. در لحظه اوج چرخش، صحنه نه فقط چشم‌انداز را تغییر می‌دهد، بلکه مخاطب را وارد تجربه‌ای هستی‌شناختی می‌کند؛ تجربه‌ای که در آن، جایگاه ناظر و نگریسته شونده فرومی‌ریزد.

این چرخش، ما را به یاد انقلاب کوپرنیکی، فروپاشی مرکزیت انسان مدرن و برهم خوردن اقتدار روایت‌های مسلط می‌اندازد. صحنه چرخان، بدل به ابزار نقد تاریخ، علم، فلسفه و... می‌شود.

با ورود شخصیت‌هایی چون گالیله، خواننده، ارجاع به داستان سیب و گندم آدم و حوا و اخراج از بهشت (و ورود به زمان‌مندی در این نمایش) و اشاره به تمدن سومر، نمایش عملاً ساختاری التقاطی از گفتمان‌ها خلق می‌کند اما آنچه مانع از اپیزودیک‌شدن اجرا می‌شود، انسجام استعاری میان تمام عناصر است.

حضور مردی با کلاه دایناسور که چندبار در طول نمایش ظاهر می‌شود، سایه‌ای از گذشته فرگشتی انسان است. دایناسور، مالک پیشین زمین، حالا تماشاگر خاموش و بی‌قدرت صحنه‌ای‌ست که از دستش دررفته است. این تصویر، انسان را در موقعیت ناپایدارش بر زمین نشان می‌دهد و یادآور می‌شود که تو نیز چون من خواهی افتاد. در سکانس نهایی، بازی نرد با مرگ و بازگشت شخصیت اصلی به درون شکم گاو، نمایش را به ساحت الهیات پست‌مدرن می‌برد. برخلاف اسطوره‌های دینی که مرگ پایان یا آغاز آفرینش است، اینجا مرگ نوعی بازگشت به زهدان است. در اینجا برنده بودن خدا از پیش مشخص است.

نقش اسکرین در نمایش دوگانه است. هم‌زمان، ترجمان زبان، واسط تصویری و بازتابی از زهدان است. هنگام تمیز کردن زهدان گاو توسط یک کاراکتر با دستمال، با نویز و برفک در اسکرین همراه است که نشانه‌ای بر همبستگی‌شان است و تلاقی طبیعت و تکنولوژی را نمایان می‌سازد. اینجا، بدن و تصویر، به‌مثابه منابع هم‌ارز معنا، در کنار یکدیگر عمل می‌کنند. چنان‌که بدن منبع حیات زیستی‌ست، اسکرین منبع حیات نشانه‌ای می‌شود.

زبان در نمایش، نه صرفاً ابزار گفت‌وگو، بلکه بدل به دستگاه ادراکی بدن شده است. کاراکتر اصلی با معده، غذا و زهدان وارد دیالوگ می‌شود. زبان از ذهن خارج می‌شود و در جوارح تجسم می‌یابد. این زبان، زبانِ بدن است، زبانی پساگفتمانی است که از دل تجربه زیستی بیرون می‌آید.

در ساختار کلاسیک درام، ضمیر یا وجدان مرکز کشمکش است. اما در این اثر، این جایگاه به معده واگذار شده است. معده، مرکز تصمیم‌گیری، کنش و حتی دیالوگ است. این امر بازتابی از فلسفه شوپنهاور است که میل را نیروی بنیادین جهان می‌داند. در این نمایش میل جای معنا را گرفته و بدن جای روح را.

نام نمایش، «بر زمین می‌زندش» هم خود حکایتی‌ست. زمین در اینجا فقط لوکیشن نیست. زمین به مثابه طبیعت و «بر زمین می‌زندش» استعاره‌ای است به بازگشت انسان به طبیعت پس از کنکاش مفصلش با دین و هنر و علم و فلسفه در طول سفر دور و درازش. زمین یک وضعیت وجودی است. زمین جایی‌ست که انسان پس از سرکشی، پس از پرواز، پس از عقلانیت، پس از اسطوره، دوباره به همان پرتاب می‌شود. گرانش یا جاذبه که بارها در نمایش بدان تأکید شده، یادآور سقوط است. فرگشت، یادآور اجبار بقا. و این سه عامل (زمین، جاذبه و فرگشت)، در هم می‌آمیزند تا جهانی بسازند که در آن، اجرا به‌مثابه ذات هستی‌ست و نه بازنمایی آن.

صحنه در این نمایش، نه صرفاً محمل روایت، بلکه تجسم کالبدی مفاهیم است. میز، گاو، اسکرین، میکروویو و حتی صندلی‌ها، همگی در نسبت‌های کالبدشناسانه‌ای قرار می‌گیرند که صحنه را بدل به مدل بزرگ‌شده‌ای از درون بدن می‌کنند. در این نظام، هر کنش، عملکردی فیزیولوژیک است: لقاح، هضم، زایش و دفع.

جای‌گیری بدن‌ها در نسبت با فضاهای غیرمتحرک و بویژه در صحنه‌های وارونه، نقطه اوج اجراست. بدن‌هایی که انگار جاذبه بر آنها بی‌تأثیر است، بدون مشاهده درگیری و فشار عضلانی در بازیگرها، تنها حاصل تمرین و درک عمیق از رابطه بدن با فضا هستند. در چنین اجرایی، بدن‌ها حامل معنا می‌شوند و بیش از مجری صرف دیالوگ عمل می‌کنند. اینجا بدن‌ها سوژه‌اند و نه ابزار.

متن نمایش، خود به‌مثابه بیانیه‌ای فلسفی-زیستی است. انسانی که از اخلاق و ایدئولوژی و این دست چیزها عبور کرده، حالا با معده‌اش سخن می‌گوید. در اینجا، تاریخ به اندام گوارش عقب‌نشینی کرده و بدن، زبان را بازپس گرفته است.

برخلاف بسیاری از آثار پست‌مدرن این روزها که به اسم اثر پست‌مدرن، صرفاً در دام ترفندهای فرمال (شکستن دیوار چهارم، پرش‌های روایی، گریز از واقع‌نمایی) گرفتارند، علی شمس در این اجرا به جای تکرار آن کلیشه‌ها، به جوهره پست‌مدرنیسم باز می‌گردد، یعنی مقاومت در برابر نظم‌های معنابخش، فرسایش قراردادها و بازاندیشی در مرزهای بدن، زبان و تاریخ. به همین اعتبار، این نمایش را باید نمونه‌ای از پست‌مدرنیسم اجرامحور دانست. «بر زمین می‌زندش»، تئاتری است که اجرا در آن، خودِ معناست.

سخن آخر اینکه بر زمین می‌زندش تئاتری‌ست که بیش از دیدن، برای زیستن خلق شده است. تجربه‌ای تمام‌عیار از بدن، تاریخ، علم، مرگ و میل. در جهانی که روایت‌ها فرسوده شده‌اند، این نمایش، خود روایت است؛ روایتی از انسان در تقاطع زمین، زمان و بدن.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت صنایع غذایی سکه (سهامی عام)
به‌شماره ثبت ۵۳۰۱ شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۶۴۴۶۰

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران، وکیل یا قائم‌مقام صاحب سهم و همچنین نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی دعوت می‌گردد در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ به نشانی تهران، خیابان خیابان قائم‌مقام فراهانی، خیابان خدری، بعد از تقاطع سنایی، پلاک ۳۱، طبقه ۳، سالن همایش‌های یاس برگزار می‌گردد حضور به‌هم رسانند. ضمناً مشاهده مجمع از طریق لینک https://meet.google.com/abi-ymvd-hav امکانپذیر می‌باشد.

دستور جلسه:
- استماع گزارش هیأت‌مدیره، حسابرس و بازرس قانونی درخصوص افزایش سرمایه
- بررسی و تصمیم گیری درخصوص افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۳۸۹,۱۹۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به مبلغ ۲,۶۳۷,۷۱۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال از محل تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مشهود
- اصلاح ماده ۵ اساسنامه درخصوص افزایش سرمایه
- سایر مواردی که اخذ تصمیم در مورد آنها در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.

از کلیه سهامداران محترم یا نمایندگان قانونی آنها تقاضا می‌شود مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷، نیم ساعت قبل از تشکیل مجمع با در دست داشتن اصل کارت ملی یا اصل وکالت‌نامه حضور به هم رسانند.

هیأت‌مدیره شرکت صنایع غذایی سکه (سهامی عام)

فراخوان تجدید مناقصه عمومی
به‌شماره: ۲۰۰۴۰۰۳۰۶۶۰۰۰۰۱۵
خدمات «پیمانکاری امور خدمات عمومی مجتمع فرهنگی و آموزشی رشد (سینما فلسطین)»

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی- وزارت آموزش و پرورش در نظر دارد تجدید مناقصه عمومی خدمات **«پیمانکاری امور خدمات عمومی مجتمع فرهنگی و آموزشی رشد (سینما فلسطین)»** به‌شماره ۲۰۰۴۰۰۳۰۶۶۰۰۰۰۱۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار فراخوان در سامانه: روز پنج‌شنبه ۱۴۰۴/۰۵/۱۶
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۱
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ می‌باشد.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار:
آدرس: تهران- خیابان کریمخان زند- خیابان ایرانشهر شمالی-نبش کوچه آذرفر- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - پلاک ۲۷۰
تلفن: ۸۸۳۱۶۴۳۹ آقای زمانی
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۱۴۵۶ **دفتر ثبت‌نام:** ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص صندوق بیمه کشاورزی

به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۲۸۵۵۷ و به‌شماره ثبت ۵۷۷۸۶ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ و مجوز شماره ۵۱۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۳/۲۱ سازمان خصوصی‌سازی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۲ به تصویب رسید. سازمان حسابرسی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به سمت بازرس قانونی تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

۱۹۸۰۰۳۵
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص آزاد راه باغچه مشهد

به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۴۷۲۵۴ و به‌شماره ثبت ۱۴۱۷۲۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد شرکت ملی مسکن و صنایع ساختمانی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۱۵۲۰۵ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۱۱ شرکت ملی ازادراه قزوین زنجان به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۱۲۵۰۷ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۱۱ بانک ملی به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۷۷۵۴۲ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۱۱ انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۹۸۰۰۲۶